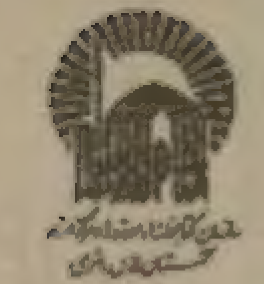

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی



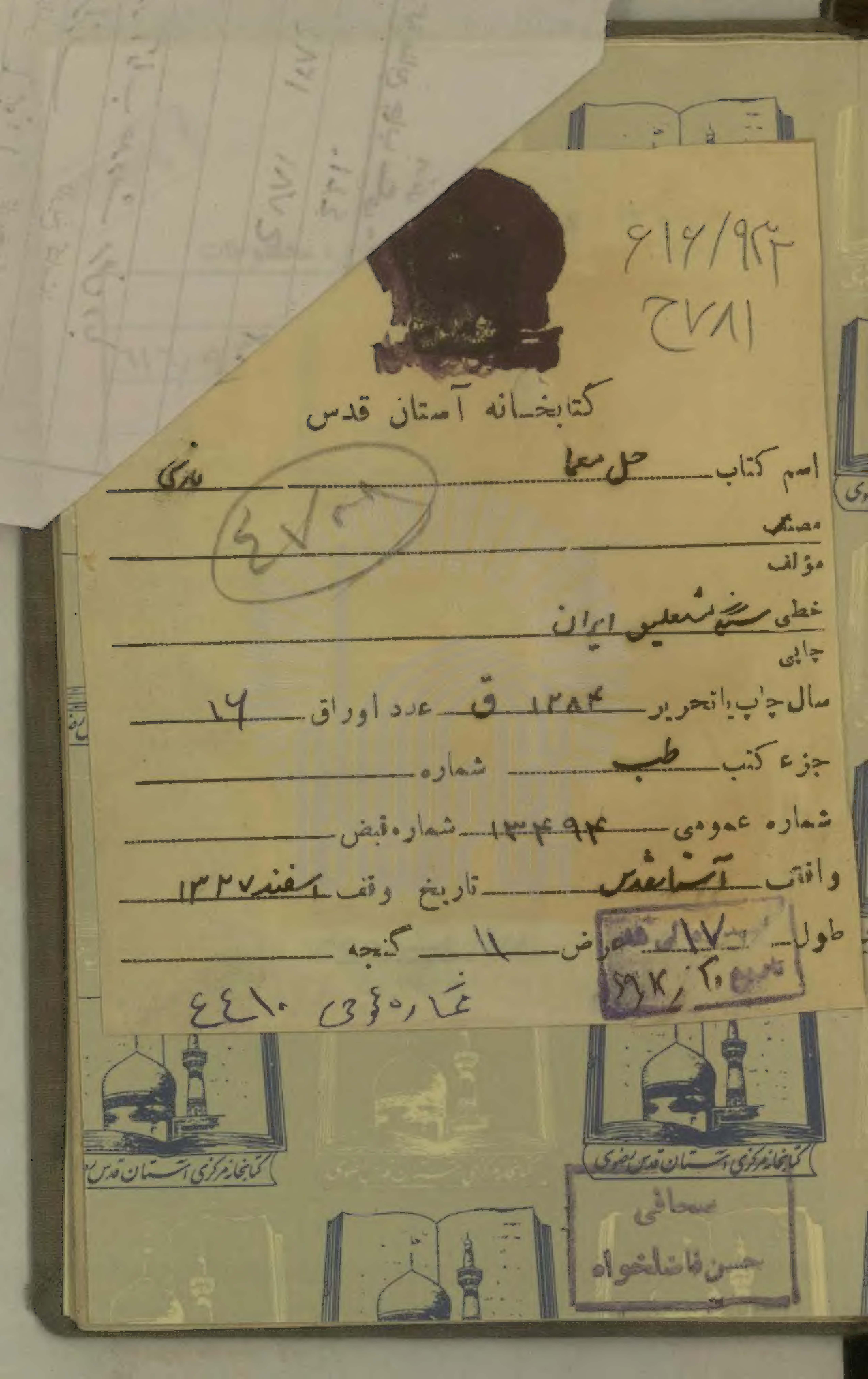


باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت:	٤٤١٠
رده‌بندی دیویی:	١٢٨٤ ح٧٨١ ٦١٦/٩٣٢
سرشناسه:	ـــ
عنوان قراردادی:	
عنوان:	حل معما در آداب حدوث مرض وبا
کاتب:	عبدالرحیم شیرازی تاریخ کتابت:
محل نشر:	[بی‌جا] ناشر: [بی‌نا] تاریخ نشر: ١٢٨٤ق.
صفحه شمار:	٢۶ص. مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی ابعاد: ١١×١٧ نوع خط: نستعلیق
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐
توضیحات:	خریداری تاریخ ثبت: ٤/سفند/١٣٢٧
یادداشتها:	
موضوع(ها):	١. وبا. ٢. اسلام و پزشکی.
شناسه(های) افزوده:	الف. شیرازی، عبدالرحیم، کاتب. ب. عنوان.
فهرستنگار:	تاریخ فهرستنگاری: د/ ٨٩


کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی



۶۱۶/۹۲۴
ح۷۸۱

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب حل معما فارسی

مصنف

مؤلف

خطی سنگ نستعلیق ایران

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۲۸۴ ق عدد اوراق ۱۶

جزء کتب طب شماره

شماره عمومی ۱۳۴۹۴ شماره قبض

واقف آستانقدس تاریخ وقف اسفند ۱۳۲۷

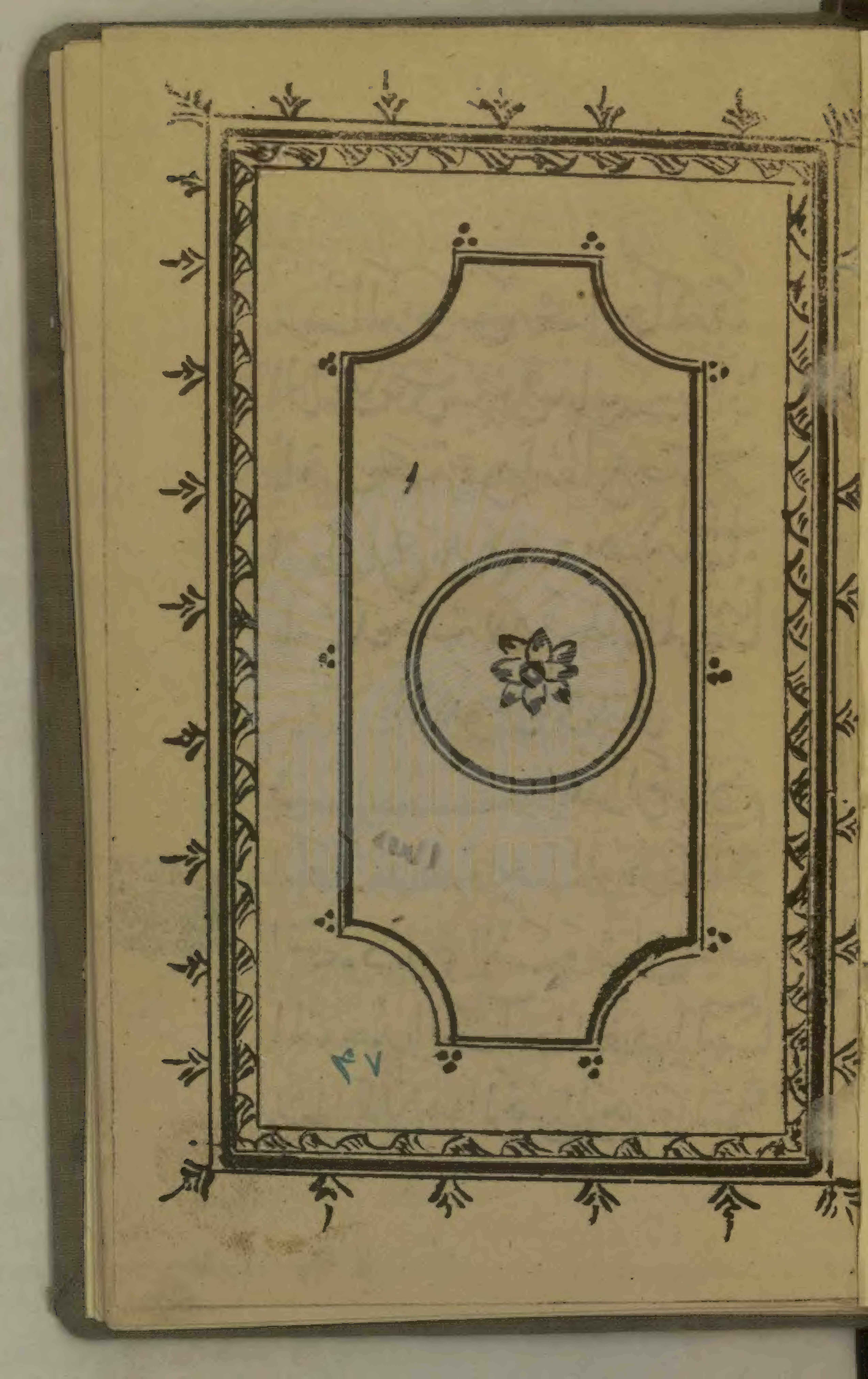
طول ۱۷ عرض ۱۱ گنجه

شماره عمومی ۴۴۱۰

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

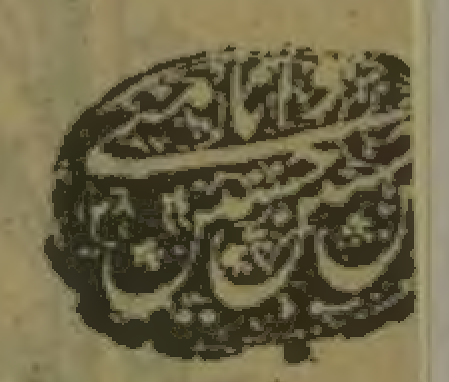
صحافی حسین فاضلخواه




٣٧

رسالهٔ موسومه بحل معما کرده
اذا بحدث مرض و باسم نکارش
یافت بجهت عموم اشفاع صورت
انطباع پذیرفت هر که طالب
باشد حسبة لله و طلباً لمرضاته
بلا عوض داده میشود

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله واجب الوجود و مستوجب



السجود باری النسم و شافی السقم
المتوحد بالبقاء و المتفرد بالبهاء
لا اله الا هو الرحمن الرحیم و السلام

ع

علی ملئکة المقربین و علی الذین انعم الله
علیهم من النبیین و الشهداء و الصالحین
و حسن اولئک رفیقا سیما النبی
الامی العربی حبل الله المتین و شفیع
المذنبین انه لقول رسول کریم ذی قوة
عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین
و ما صاحبکم بمجنون و لقد راه با
لافق المبین محمد رسول رب
العالمین و خاتم النبیین و علی نفسه
الانور و وصیه الاطهر قالع باب
خیبر و قاتل عمرو و عنتر ابی شبیر و
شبر قاسم طوبی و سقر علی خیر

البشر من ابی فقد کفر و علی اولاده
المعصومین الطاهرین الذین بهم فتح الله
و بهم یختم و رحمة الله و برکاته اما
بعد چنین گوید حکیم دانشمند عبرانی نسب
یونانی حسب خادم طباع مؤمنین و تراب اشراع
سلمین معروف درگاه سلطان و مشعوف
بالطاف خاقان پیر روشن ضمیر طبیب
تجربه و تدبیر کار آزموده بافراط ثلث
بطلمیوس و بقراط دارای هوش و بصر حکیم
باشی حق نظر که سالها ست خدمت بزرگان
ملت و چاکران دولت را بر آسایش نفس ترجیح داده
در ایام ظهور و حدوث امراض سهمناک آشکار است

از حال شسه

از جان شسته و در بالین مرضی نشسته هرگز غنیا
بر فقرا رجحان نداده بقدر وسع و امکان در علاج
همگنان کوشیده ام و مطلقا از علما و سادات
و اشخاصیکه بضیق معیشت مبتلا بودند حق
القدمیکه معمول اطبا است مطالبه نکرده و اگر داده
اند نگرفته ام و بر انها متابعت حکم لا تبطلوا
صدقاتکم بالمن والاذی منت نمیگذارم
بلکه امتنان دارم و حمد باری تعالی میکنم که مرا
موفق فرموده بتوفیق بزرگ که بخدمت بندگان
او عز اسمه اشتغال دارم و شفای مرضای انها
بسعی و اهتمام من عطا میشود و مرا اجر اخروی و
تجربه دنیوی کافی است اکنون بعضی از تجربیات

وتحقیقات خود را درین رساله مختصر که بحل معمّا
موسوم است مینگارم شاید ناظرین را مزید
علم وتجربه گردد و رشته بدست آمده باشد و بمرو
اطبای حال و استقبال بزیادتی تجربه او را تکمیل
فرمایند قطعه غرض نقشی است کز ما باز ماند
که هستی را نمی‌بینم بقائی مگر صاحبدلی روزی برحمت
کند بر حال مسکینان دعائی عموم اطبای سلف و
خلف و سایر طبقات خلق معتقد بر اینند که وبا
از عفونت هوا ظاهر میشود سمیتی در هوا حاصل
شده از حلق و دماغ سرایت باندرون مسکینه
و موجب هلاکت میگردد و حال آنکه مکرر دیده شده
است که در بهار و زمستان در مکانهای پر سیاه

با صفا بلکه در قلل جبال شامخه اینمرض عارض شده
وجمعی را تلف کرده است و این اعتقاد اول خبطی است
که ذهن طبیب را مغشوش میکند و از معالجه باز میدارد
ونمیگذارد در صدد فهمیدن علت حدوث این
مرض برآیند چون علت معلوم شود بحکم حتم علاج
آن سهل و آسان گردد چنانچه احدی از اطباء
معالجه اینمرض را بتحقیق ندانسته اند علتش همان
است که حدوث آنرا از عفونت هوا میدانند
وچنین تصور میکنند که چیزی از خارج بحلق و
دماغ وارد میشود و آدمی را باین بلیه مبتلا میکند
لاجرم خلق را امر بتفرقه مینمایند وسفارش میکنند
که در مکانهای نظیف مسکن کنند و عطریات

استعمال

استعمال نمایند و در مجلس صحبت نشوید و دیگر
ازموت غذا کره نکنید أَتَأمُرُونَ النّاسَ بِالبِرِّ
وَتَنسَونَ اَنفُسَکُم وَاَنتُم تَتلُونَ الکِتابَ
اَفَلا تَعقِلُونَ واین اشخاص الی حال ندانسته اند
که هیچ مرضی از خارج وارد طبیعت و مزاج نمیشود
بلکه خود طبیعت دفع و احداث مرض نماید همچنانکه صحت
از خارج وارد طبیعت نمیشود مرض هم از خارج وارد
طبیعت نخواهد شد این هر دو حالت در باطن مزاج
بروز میکند بواسطه استعدادی که در اخلاط اربعه
ظهور نماید شعر چار طبع مخالف سرکش چند
روزی بوند باهم خوش گر یکی زان چهار شد غالب
جان شیرین برآید از قالب و بخصوصه مرض وبا و

غلظت

عفونت و احتراق صفراوی واقعه در مراره حادث میشود
گاهی بندرت عارض میگردد اطبا غفلت میکنند
که این مرض وباء است اسهال ردیه وغیره اسم میگذارند
اوقاتیکه شایع میشود و عموم هم آنرا میرساند محقق
خواهد بود وباء است علت شیوع این مرض بواسطه
اثر اجرام علوی است که در اغلب طبایع جذب
رطوبت از مراره شده او را غلیظ نموده سمیت
به او عارض میشود چون قطره از آن وارد معده شود
همچنانست که سم افعی وارد مزاج شده باشد
فورا موجب قی و اسهال خواهد شد مجموع رطوبت
غریزی را از عروق و اعصاب تمام بدن فاسد
نموده بقی و اسهال دفع مینماید هرگاه بتعجیل در

معالجه

معالجه بشود انشاء الله مبدل بصحت خواهد شد و
اگر تاخیر در علاج شود ناچار بعلت و کبد و دماغ سرایت
میکند و بدن را از رطوبت غریزی خالی کرده عروق
و اعصاب را خشک مینماید و مورث هلاکت میشود
و ما درین رساله قلت نجومی اینمرض را مختصرا بیان
میکنیم و میگوئیم وجود اخلاط اربعه در امزجه که عبارت
از بلغم و سودا و دم و صفرا باشند بواسطهٔ عناصر
اربعه میباشند هر یک ازین چهار خلط تعلق بعنصری
دارد بلغم تعلق بعنصر آب دارد سودا
متعلق بعنصر خاک است دم متعلق بعنصر باد
است صفرا متعلق بعنصر آتش است و منبع
وجود حقیقت و طبیعت عناصر اربعه در فوق کواکب

سبعه

سبعه سیاره میباشند و اثر کواکب در جهان
محسوس و آشکار است و مطلقا حاجت تأمل و تفکر
ندارد و از شدت ظهور اثرهاشان آبای سبعه نامیده
و هریک آنها متضمن اثرهای کلی میباشند که خلقت آنها
الی حال احدی استدراک ننموده است و مسلما آنچه
در فوق مرئی و ملحوظ میشوند لغو و باطل ایجاد نشده اند
چنانچه در کلام مجید میفرماید اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللهَ
قِیَامًا وَقُعُودًا وَعَلیٰ جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ
فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ
هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّار
و در موضع دیگر فرموده است وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ
وَالْاَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا بَاطِلًا ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِینَ

کفروا فویل للذین کفروا من النار چون محقق
شد که لغو و بیهوده نیست بدانکه جرم قمر منبع
طبیعت عنصر آبست مطلق بپایه آفاق و انفس
تعلق با و دارد و از اثر وجود اوست چنانچه مشاهده
شده است جزر و مد بحار بواسطه قمر ظاهر میشود آب
انهار و قنوات و چشمه سارها بواسطه اثر قمر جریان
میباید و در قعر زمین تکوین پیدا میکند و از ملئکه اربعه
که حامل عرش عالم وجود میباشند قمر منسوب
بجبرئیل میباشد و جبرئیل لفظی است مرکب از دو کلمه
ئیل از اسما الله است و جبر در کتاب لغت بمعنی هر آینه
آمده است عطارد و زحل منبع طبیعت عنصر خاک
هستند و اصل ماده وجود خاک است آنچه از زمین

میروید

میرود مدار از وجود این دو کوکب است بودن این
دو کوکب معاً یا منفرداً بخصوص زحل که از عطارد
اقوی میباشد در بروج شمالی باعث خوبی و
فراوانی غلات و اغلب اجناسیکه از زمین میروید
خواهند شد در بلادیکه بطرف شمالی واقع است چون
در بروج جنوبی سیر نمایند فراوانی و ارزانی در بلاد
جنوب خواهد شد و از علائکه اربعه این دو کوکب
انتساب بمیکائیل دارند زیرا که ارزاق منسوب باین دو
زهره و مشتری منشاء طبیعت عنصر باد هستند
در هر یک از بروج شمالی و جنوبی که سیر نمایند تموج
در هوای بلادی که تحت آن برج واقع شده اند
خواهد شد مطلقاً هوا و ریاح از اثر این دو کوکب است

واما

و از آنکه ارباب این دو کوکب انتساب با سهیل دارند
زیرا که نضج صور مطلقا باو اختصاص دارد شمس و
مریخ منبع طبیعت عنصر آتش اند طبخ و نضج و تکمیل
کل اشیاء از اثر وجود این دو کوکب است هرگاه
شمس منفرداً در بروج شمالی باشد چندان
حرارت در هوا غالب نمیشود که اگر با مریخ مجتمعاً
در بروج شمالی باشند بخصوص در مقارنه و
اجتماع هر دو کوکب در یک برج خاصه در سرطان
و اسد بحد افراط موجب گرمی و حرارت هوای
بلاد شمالی میشود و از آنکه ارباب انتساب این دو کوکب
بعزرائیل است در آفاق و انفس احداث حرارت
شدید میکنند رطوبت غریزی را تخفیف مینمایند

لاجرم

لاجرم امراض حارّه وحادّه در عالم حادث میشود
محرقه ومطبقه وحصبه وآبله وسرسام طاعون ووبا
جمیعاً بواسطهٔ این درامزجه حادث میشود رطوبت
غریزی از توجه باطنی شمس ومریخ در نفوس حیوانی
وقلیل المقدار میشود رطوبت ازمراره جذب
میشود غلظت هم میرساند وسمیت حاصل میکند
لون مراره زنجاری وکراثی میشود چون باقتضای
حادث مستمره قطره از ومعده چکیده شود فوراً
بواسطهٔ قی واسهال مجموع بدن گداخته میشود
واعصاب بواسطهٔ عدم رطوبت تشنج حاصل
میکنند از کمال غلبهٔ حرارت سردی در
بدن هم میرسد وهمین دلیل نهایت حرارت

اوست مثل شیشه جوهر نعناع را هر که بخورد دهن را
سرد میکند و اگر بر بدن بمالند بدن را سرد میکند
و حال آنکه در نهایت حرارت است و همچنین در
اسبابیکه بجهة ساختن یخ مصنوعی از فرنگستان
آورده اند هر گاه ملاحظه کنند می بینند که نهایت
گرمی باعث ظهور برودت شده است که با آتش
آب منجمد شده یخ می بندد و الحاصل علت ظهور مرض
و با بطور شیاع و عموم بواسطه مقارنه مریخ
و شمس است در یک برج چون این مرض عارض
شود باید فوراً در صدد تبرید و ترطیب کلی مزاج
بر آمد و اگر غفلت کنند یا اینکه جوهریات و دواهای
گرم و معاجین حاره استعمال نمایند مفید بهبودی

از مرض

از مریض مذکور از کمال سفاهت و بیخردی است
و از خصایص اینمرض آنستکه چون صفرای
زنجاری و کراثی شتمی از مراره وارد معده شد
ابتدا هر قدر دود و کرم که در معده و امعاء
باشد مجموع انهارا میکشد باقی و اسهال
از بدن خارج مینماید هرگاه معجل اصلاح
حال مراره رانخودند و انچه وارد معده شده داشت
منطفی کردند البته صحت ظاهر خواهد شد
والا ممتنع العلاج میباشد بهترین معالجات
آنستکه چون در مزاج علامت این مرض
مشاهده شود فوراً آب کرم و روغن بادام
باو بدهند و بانکشت و پر تحریک درقی نما

وپیر

و پس از آن سکنجبین و آب گرم بخورانند و باز
تحریک در قی کردن بشود پس شروع نماید
بدادن آب اسفرزه که بایخ سرد شده باشد
هر قدر عطش داشته باشد آب اسفرزه بخورد
سکنجبین ترش و افشره آب لیموی ترش نیز
مفید است و باید که غرغره نمایند از آب
اسفرزه و گل خطمی و روغن بادام چون قی
موقوف بشود سفوف مروارید و طباشیر
و فادزهر معدنی و تخم خرفه قدری با و بخورانند
و این عمل را چند روز متوالی مرعی دارند مبادا
غفلت از تبرید و ترطیب نمایند که موجب
ندامت میشود و همچنین مجموع آن چیزیکه از اغذیه

واشربه در علم طب منسوب بقم است نافع
خواهد بود ومطلقا استعمال جوهریات وادویه
حاره جایز نیست واگر استعمال کنند در هلاکت
مریض تعجیل کرده اند هرگاه شخص قبل از ابتلا
باینمرض مداومت نماید بخوردن دوغ تازه وابلیمو
وسکنجبین ورُب انار ورُب شاه توت و
سایر ربوب حامضه واجتناب کند از خوردن
سیر وپیاز وکراث وعسل ومویز وانگور و
انجیر وخربزه وعموم جوهریات انشاء الله الرحمن
هرگز باینمرض مبتلا نخواهد شد وهمچنین
تصدق رافع اینمرض است این اوراق
باقتضای تحقیقات علمی صورت تسوید پذیرفت

ولیکن

ولیکن از وقوع امریکه بحکم اَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ
الْمَوْتُ وَلَوْ کُنْتُمْ فِی بُرُوجٍ مُشَیَّدَةٍ
ظهور خواهد یافت چاره نیست شعر اگر صد سالی
وگر صد هزار همان تنگ جای است دندان
تا اخیر ایام معدوده چندان حاصلی نخواهد
داشت شعر بارالها چون جهان بود
نیست بازگشت عاریت پس سود نیست
اگر صحتها و عافیتهای موفقی بجهه خوشوقتی دوستان
و متعلقان است لابد کام آنها وقتی از فراق تلخ
خواهد شد پس امریکه وقوع خواهد یافت هر قدر
زودتر واقع شود بحکم الیأس احدی
الراحتین آسوده تر خواهد بود و اگر مجموع

اهل جهان .

اهل ایمان باین عقیده باشند و اختیار فوت
وارتحال بدست آنها باشد البته نوع منقرض شده
موالید موجود نمی شود پس خداوند حکیم اختیار
این امر را مخصوصا بقبضه قدرت از خود بازگذاشت
چنانچه فرموده است وَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا
یَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا یَسْتَقْدِمُوْنَ
و باب وصول نعمتهای اخروی را بمشاهده کراهت
صورت ظاهر موت چنان صعب و سخت
فرمود که مجموع اهل عالم از مشاهده آن خائف
و متزلزل و هراسناک شده اند و در انظار
خلق فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُوْرٍ لَّهٗ بَابٌ بَاطِنُهٗ
فِیْهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهٗ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ

جلو

جلوه کرده است پس حاصل وجود بعد از حیات

وسجود آسوده داشتن خلایق است اگرچه اغلب

آنها از جمله اُولئک کالانعام

بل هم اضل میباشند شخص حکیم

آنستکه ایشانرا بوعده و وعید و تخویف و تهدید

باقتضای حکمت عملی طوری راه بردتا وقتیکه مدت

حیات آنها منقضی شود و طبقه دیگر بوجود

آیند پس حکیم دیگر باین امر اقدام نماید

شعر یکی چون رود دیگر آید بجای

جهانرا نمانند بی کدخدای نیکبخت کسی

است که چون وارد مرکز خاک شد و فهمید

که این زمین را خدایتعالی معدن و مزرع

آخرت

آخرت فرموده است زاد معاد باید از اینجا
شود دست خالی بیرون رفتن سبب
خسران و فقر اخروی خواهد بود چنانچه فرموده
است یا أیها الذین آمنوا هل أدلکم
علی تجارة تنجیکم من عذاب ألیم تؤمنون
بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله
بأموالکم وأنفسکم ذلکم خیر لکم إن کنتم
تعلمون یغفر لکم ذنوبکم ویدخلکم
جنات تجری من تحتها الأنهار ومساکن
طیبة فی جنات عدن ذلک
الفوز العظیم وأخری تحبونها
نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین

و نیز در تواریخ و اخبار نوشته اند که چون اسکندر
بظلمات رسید هاتفی آواز داد که هر که از حجر
زمین بردارد پشیمان میشود و هر که بر ندارد
نیز پشیمان خواهد شد بعضی مقدار قلیلی بر
داشتند و باقی هیچ بر نداشتند چون
بروشنی رسیدند مجموع آنچه بر داشته بودند
جواهر بود و پشیمانی از برای جمعی حاصل شد
که چرا کم بر داشته بودند و چرا بعضی هیچ
بر نداشتند این قصه کنایه از عالم انجهان است
که همچون ظلمات است هر ساعت هاتف
غیبی چنین اسکندر وجود را نداء میدهد
که ازین معدن زاد و راحله و مایه تجارت و سود

عالم آخرت را برداریدو دست خالی نروید که
پشیمان خواهید شد و ندامت را سود و ثمری
نخواهد بود چون جالت ظلمات را دارد و غفلت
دارند و قبول نمیکنند و میگویند شخص اموال
خود را که برنج و زحمت زیاد فراهم آورده است
باید بدست خود ضایع و تباه کند تفریط کردن تنها
و آن دادن چه ضرورت دارد باقتضای عقل
ظاهری باید مجموع آنها را بمدو جهد تام فرو نیت
نمود و فلسی بهیچکس نداد تا وقتی که ندای رحیل
بگوشش جان در رسد با افسوس بگذارند و بگذرند
چنانچه فرموده اند بشر و اما المال البخیل بود
اوحادث قطعه هر که را مال جمع خورد

نیست او از آن مال بهره کی دارد یا بتاراج
حادثات برند یا بمیراث خواره بگذارد پس عقل
حقیقی که در وصف آن گفته اند العقل ما عبد
به الرحمن واکتسب به الجنان قضای آن دارد
و میگوید که آدمی را پسندیده نیست که از منبع
فیض فقیر و گدا خارج شود و در ایام توقف جهان
مبتلا بمرض جوع البقر و جوع الکلب بشود و
پیوسته خطاب هل امتلأت را جواب هل من
مزید بگوید و چیزهای ضایع و تباه را لفقر ابدی
و حال آنکه از مخبر صادق شنیده است لن تنالوا
البر حتی تنفقوا مما تحبون و من در هنگام
نوشتن این اوراق معتقد این بودم که البته این

مواعظ ناظرین را سودمند خواهد بود بخاطرم میرسد
که ایشان از زمرهٔ آنان هستند که فرمایشات
انبیا و اولیا را شنیده اند زیرا که ایشان در
اعلان و اسرار از نصایح و مواعظ اهمال نفرموده اند
فرمایشات آنها جمیعاً در کتب ضبط است و
اغلب خلق هر روز مطالعه میکنند و مذاکره می
نمایند و بقدر مثقال ذرهٔ در وجود آنها مؤثر نشده
است تو کیستی که فضولی میکنی و حال آنکه خدا تعالی
بالصراحه فرموده اِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ اَحْبَبْتَ
وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ملای رومی
در مثنوی میفرماید مثنوی تو فسرده در خور این
ادم نئی با شکر مقرون نئی گرچه نئی و دیگر گفته اند

شعر

شعر جامی که عقاب پر بر بزد از پشه لاغری چه خیزد

واجعل اللهم عاقبة امورنا خیرا بمحمد وآله

الامجاد

بالخیر

حرره العبد المذنب الخاطی

عبد الرحیم شیرازی

غفر الله عن سیئاته

فی ثانی عشر

شهر جمادی

الاولی

۱۲۹۴


کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی


کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی



